

Investigating the extent of modernism and its effect on rethinking youth identity

Abstract

This research is functional in terms of goal, extensive in breadth, micro in scope and cross-sectional in terms of timing. Field research method using survey technique was applied and the data collection instrument was questionnaire. The statistical population includes all the youths in Isfahan out of which a sample of 385 people were chosen as the sample size using Cochran's formula through proportionate stratified sampling. In order to investigate validity, confirmatory factor analysis and convergent validity techniques (AVE index) were used and to calculate reliability Cronbach's alpha test was utilized. The theoretical framework of the research includes different thinkers' theories, most of which refer to Giddens and Burger's theory of reflexivity. In the present research the extent of modernism among Isfahani youths was investigated. Then the effect of modernism and its components i.e., global orientation, individualism, futurism, and fashionism, on identity reflexivity in youths have been investigated. Consequently the average amount of modernism and identity reflexivity and their dimensions were estimated higher than average. Regarding the analysis conducted using Smart PLS software, the results indicated that modernism affects identity reflexivity in youths (0.481), and among modernism components, futurism enjoyed the highest path coefficient (0.453), and following that, fashionism (0.437), and global orientation (0.322) had the highest effects, respectively. In other words, the data fits the model and the indices are representative of the desirability of the structural equation model. Additionally, the dimensions of individualism had no influence on identity reflexivity in youths.

Keywords: Identity reflexivity, global orientation, individualism, futurism, fashionism.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.292713.1902>

بررسی میزان تجددگرایی و تأثیر آن بر بازاریابی هویت جوانان شهر اصفهان

سید ناصر حجازی^۱

تاریخ دریافت: ۱۷/۲/۱۴۰۰

مهرداد نوابخش^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۶

سید علی هاشمیان فر^۳

چکیده

این مقاله با هدف بررسی تجددگرایی و تأثیر آن بر بازاریابی هویت جوانان شهر اصفهان و با استفاده از روش پیمایش انجام گرفته شده است. جامعه آماری شامل تمامی جوانان شهر اصفهان بوده که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر به عنوان حجم نمونه به روش طبقه‌ای متناسب انتخاب گردید. برای بررسی روایی از شیوه تحلیل عاملی تأییدی و تکنیک‌های اعتبار همگرا (شاخص AVE) و به منظور محاسبه پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. چارچوب نظری پژوهش متشکل از نظریات اندیشمندان مختلفی است که نظریات غالب آن به تئوری بازاریابی هویت گیدنز و برگر معطوف است. نتایج بدست آمده نشان دادند که میانگین متغیر تجددگرایی و بازاریابی هویت و ابعاد آنها بالاتر از حد متوسط است. با توجه به تحلیلی که با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS انجام شد. نتایج نشان داد که تجددگرایی بر بازاریابی هویت جوانان تأثیر داشته (۰/۴۸۱)، و در بین مولفه‌های تجددگرایی آینده‌گرایی (۰/۴۵۳)، مدگرایی (۰/۴۳۷) و جهت‌گیری جهانی (۰/۳۲۲) بیشترین تأثیر را داشتند به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند. همچنین بعد فردگرایی تأثیری بر بازاریابی هویت جوانان نداشت.

کلید واژگان: تجددگرایی، بازاریابی، بازاریابی هویت، جوانان، شهر اصفهان.

^۱ . دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. hejazinaser@yahoo.com

^۲ ژرناستاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m.navabakhsh@iauctb.ac.ir

^۳ . دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان - ایران. j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

موضوع هویت و مؤلفه های آن در فرهنگ اجتماعی، هیچگاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده و این از آن روست که شاید صاحب نظران و متفکران این حوزه هرگز این اهمیت را چنین ملموس و گسترده، به صورت تمایز یافته تجربه نکرده بودند. در واقع در جامعه ی امروزی و با گسترش ارتباطات محلی، ملی و بین المللی، حوزه ی مطالعه ی جدیدی در باب هویت و مؤلفه های آن باز شده است. اما امروزه دیگر بحث از هویت به مانند گذشته سنتی نیست و صحبت اصلی از بازاندیشی هویتی است. هویت بازاندیشانه در سطح اجتماع از اصلی ترین شاخص های مدرنیته و جهان مدرن به شمار می رود و می توان آن را مهم ترین هدف و معیار توسعه اجتماعی قلمداد نمود. هویت به عنوان شالوده فکری یک فرد جزء اساسی ترین مسایلی است که نسل امروز با آن درگیر است. پاسخگویی به سوالات درباره «خود» و «ریشه خود» می تواند سرنوشت آینده کشور را تحت تاثیر قرار می دهد، زیرا جوانان به عنوان آینده سازان کشور در صورتی می توانند در راه آبادانی و سازندگی کشور گام بردارند که به آن احساس تعلق داشته باشند (مصطفائی، ۱۴۰۰: ۶ - ۴).

اما آنچه که در جامعه ی جدید منجر به القای تفکر هویت بازاندیشانه در جوامع شده است، تجددگرایی می باشد. تجددگرایی عبارت است از اصول و جهان بینی ای که انسان متجدد دارای آن اصول و جهان بینی است. به تعبیر دیگر انسان متجدد از آن جهت که انسان متجدد است دارای مجموعه ویژگی ها و خصلت هایی است که مجموع آن خصلت ها و ویژگی ها را در انسان پیشامدرن نمی توان یکجا یافت و وقتی در همین ویژگی ها دقت و تأمل کنیم، آشکار می شود که پشت پرده این ویژگی ها، ویژگی ها و خصلت های عمیق تری وجود دارد که مجموعه این ویژگی های عمیق تر مؤلفه های جهان بینانه انسان متجدد را می سازند. به عبارت دیگر طرز نگرش انسان متجدد به عالم و آدم، خدا، خودش، انسان های دیگر، طبیعت، زندگی این جهان، عالم معرفت و عالم عمل مدرنیسم را می سازد (مقدادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۶ - ۸۲).

به نظر می رسد در ایران زندگی فرهنگی بیش از سایر حوزه های زندگی اجتماعی، تغییراتی را از سر گذرانده است و بعضی تحولات اجتماعی راه را برای ظهور گروه های اجتماعی با جهان بینی متفاوت و خواسته های متنوع باز کرده است. دست کم چند فرآیند عمده مانند گسترش آموزش اعم از آموزش ابتدایی یا گونه های دیگر آموزش، رشد رسانه ها و نفوذ آنها در زندگی فردی و جمعی، رشد شهر نشینی و تمرکز فزاینده جمعیت در شهرهای بزرگ، افزایش سطح آموزش زنان، توسعه فرآیند تفکیک اجتماعی و... زمینه های اجتماعی ظهور خودهای جدید را فراهم کرده و گروه های اجتماعی که به اعتبار خودها و هویت های تازه می توان آنها را در گروه های جدید خواند درباره جهان اجتماعی خود به نحوی دیگر می اندیشند، با معیارهایی متفاوت آن را ارزیابی می کنند، خواست ها و آرزوهای دیگری دارند و در مجموع سبک دیگری از زندگی را ترجیح می دهند (شکریگی، ۱۳۸۸: ۱۴۱ - ۱۴۰). این چنین است که بر اثر تجددگرایی یک نوع هویت بازاندیشانه در افراد به ویژه نسل جوان شکل می گیرد و هویت غالب، فرد را به چالش می کشد. این هویت جدید متناسب با فرهنگ و باورهای سنتی نیست و این چنین نسل جوان را با مشکلات روانی و اجتماعی شدیدی مواجه می سازد که مسئله ای اساسی است.

اما بررسی موضوع فوق در بین جوانان شهر اصفهان مسئله ای اساسی تر می باشد. کلان شهر اصفهان به عنوان یکی از شهرهای با جمعیت جوان، از مهمترین شهرهای ایران از لحاظ اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می باشد که از دیرباز در ابعاد مختلف هویتی یعنی فرهنگی، مذهبی، تاریخی، ملی، اقتصادی و سیاسی دارای ویژگی های شاخصی بوده است. اما در عصر جدید به ویژه در دهه ی اخیر با پیشرفت تکنولوژی و تجدد گرایی ابعاد مختلف هویت اصفهان دچار چالش شده و به ویژه جوانان این شهر در کنکاشی بین سنت و مدرن قرار گرفته اند. در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این مساله است.

پیشینه پژوهش

- میمنت آبادی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «نقش شبکه های اجتماعی مجازی در تحول هویت (مورد مطالعه: شهروندان سندج)» به انجام رساندند. نتایج نشان داد که بین هر پنج بعد هویت قومی و استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی ارتباط آماری معنی دار و مثبت وجود دارد. میزان همبستگی بین هویت زبانی و مدت و زمان استفاده از سایت های شبکه اجتماعی به ترتیب ۰/۰۳۱ و ۰/۰۳۴؛ بین هویت اجتماعی و مدت و زمان استفاده از سایت های شبکه اجتماعی به ترتیب ۰/۰۱۹ و ۰/۰۶۵؛ بین هویت تاریخی و مدت و زمان استفاده از سایت های شبکه اجتماعی به ترتیب ۰/۰۵ و ۰/۰۸۵؛ بین هویت فرهنگی و مدت و زمان استفاده از سایت های شبکه اجتماعی به ترتیب ۰/۰۳۶ و ۰/۰۲۶ و بین هویت سیاسی و مدت و زمان استفاده از سایت های شبکه اجتماعی به ترتیب ۰/۰۲۲ و ۰/۰۵۳ است.

- فرهمند و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان «جهانی شدن فرهنگ و بازانديشي تعاملات جنسیتی» به این نتایج دست یافتند که بین جهانی شدن، استفاده از فناوری های نوین ارتباطی و تحصیلات با بازانديشي در تعاملات جنسی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد، همچنین نتایج آنها نشان داد که بین درآمد خانواده و شغل پدر با بازانديشي در تعاملات جنسی رابطه معنی داری وجود ندارد.

- عبداللهی چندانق و دیگران (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی تاثیر ساختار قدرت در خانواده بر هویت بازانديشانه زنان» به انجام رساندند. نتایج تحقیق نشان می دهد که پاسخگويان در برابر کلیشه های جنسیتی مقاومت زیادی نشان داده و مدیریت بدن نیز اهمیت بالایی برای آنها دارد. بعلاوه، نتایج تحقیق گویای وجود رابطه ای معنی دار میان ساختار قدرت در خانواده و میزان هویت بازانديشانه زنان است.

- ازکیا و دیگران (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان «جهان- محلی شدن و بازانديشي در هویت زنان: مطالعه موردی هورامان تخت» به انجام رساندند. بر اساس نتایج پژوهش، هویت زنان در زمینه گرایش به تحصیلات و مشاغل خانگی، تحت تأثیر ارزش های جهانی متحول شده است، ولی در خصوص اشتغال بیرون از منزل و داشتن استقلال رأی، هنوز نیز ارزش های محلی و سنتی تسلط نسبی خود را بر هویت زنان حفظ کرده است. می توان اذعان کرد که هویت زنان در هورامان بر اساس ارزش های محلی و جهانی بازسازی شده و به تبع آن، صورتی جهان- محلی یافته است.

- بوستانی (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «جوانان و هویت بازانديشانه مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان» به این نتایج دست یافتند: بین استفاده از وسایل اطلاعاتی و ارتباطی، تحصیلات پدر و مادر، جنس پاسخگو، محل تولد، هویت مذهبی، استفاده از آتنن ماهواره و منابع اطلاعاتی با متغیر وابسته یعنی (هویت بازانديشانه) رابطه مثبت وجود داشت. به استثنای متغیر هویت مذهبی و یکی از زیر مجموعه های منابع اطلاعاتی؛ یعنی منابع مطالعاتی مذهبی، که این دو متغیر در برابر

رشد هویت بازانديشانه مانع عمده و جدی محسوب می شوند. همچنين متغيرهای مقطع تحصیلی، پایگاه شغلی پدر، وضعیت اشتغال مادر و درآمد ماهیانه با هویت بازانديشانه رابطه ای برقرار نکردند.

- شالچی (۱۳۸۴) در پژوهشی به «بررسی هویت بازانديشانه و ارتباط آن با رسانه ها» پرداخته است. نتایج نشان دادند که هر چه میزان بهره گیری از رسانه ها نزد پاسخگویان بیشتر بوده است، تطابق بیشتری با هویت بازانديشانه داشته اند. همچنين هویت بازانديشانه با برخی از عوامل پایگاه اجتماعی، مانند پیشینه تحصیلات خانوادگی و منطقه محل سکونت نیز ارتباط مستقیم داشته است.

- فابلا^۱ و دیگران (۲۰۱۷) در پژوهش خویش به بررسی عوامل پیش بینی کننده هویت قومی و هویت اجتماعی از طریق مطالعه ارتباط بین هویت قومی و هویت اجتماعی آمریکایی های فیلیپینی تبار و در رابطه با ادراک آنها از میزان احساس عدالت اجتماعی می پردازد. داده های تحقیق از ۱۷۹ فرد بزرگسال آمریکایی فیلیپینی تبار گردآوری شد. نتایج تحقیق نشان می دهد که احساس عدالت اجتماعی باعث بالا رفتن هویت اجتماعی می شود.

- گراسموک^۲ (۲۰۱۵) در تحقی خود به این نتایج دست یافت که کنشگرانی که حضوری فعال در شبکه های اجتماعی (مانند فیس بوک) دارند از فیس بوک به عنوان یک نوع زیست جهان که از آن آگاهی و شناخت کسب می کنند و هویت خود را بر اساس آن شکل می دهند.

- بروکس و وی (۲۰۰۸) در پژوهش خود با عنوان «بازانديشی و تحول هویت جنسی در بین زنان سنگاپوری» به این یافته ها رسیدند که، زنان مورد بررسی در تلاش می باشند تا با توجه به مشخصه های ویژه فرهنگی کشور سنگاپور، یعنی پدرسالاری، اقتدارگرایی و تأثیرات جهانی شدن را با عنایت به موقعیت ویژه خود پذیرا باشند. بازیابی نیازهای متناقض گروه اول و توسل به امیال گروه دوم برای زنان، به عنوان راهکارهای حل کردن مسائل راهبردی را مهیا می کند که علاوه بر اینکه بازانديشانه بوده و پتانسیلی را به منظور تحول هویت ایجاد می نماید.

چارچوب نظری

به طور کلی، مفهوم بازانديشی^۳ یکی از مفاهیمی است که رویکردهای مختلف به آن نظر داشته اند. در رویکرد کارکردگرایی، لومن (۱۹۹۵) بازانديشی را خصلت ارتباطات انسانی می داند و معتقد است این بازانديشی منجر به خود مفهوم سازی^۴ می شود. بازانديشی به مثابه سازوکاری عمل می کند که منجر به تسهیل سازگاری سیستم با محیط می شود. این امر در نتیجه تنظیم پاسخ ها و کاهش پیچیدگی صورت می گیرد. در واقع، بازانديشی به کنشگران این توانایی را می دهد که در مورد بدیل های جدید کنش تأمل کنند.

تلاش عمده صاحب نظران رویکرد کنش متقابل نمادین در اواسط قرن بیستم، صرف مفهوم پردازی "خود" شد. مفهومی که بعدها خلق شد و رویکردهای نظری عمده ای درباره آن ارائه شد، "خود" را مجموعه ای از "هویت ها" تصور می کند که در پاسخ به وضعیت های خاص به وجود می آید. پس خود، بر ساخته از تعدادی هویت است که به نظر از نظریه پردازان، از لحاظ برجستگی و اهمیت در سلسله مراتب خاصی قرار دارند. هویت هایی که در رأس سلسله مراتب قرار دارند، بیشترین

1. Fabala

2. Grasmuck

3. Reflexivity

4. Self-Thematization

تأثیر را بر تلاش افراد برای سازماندهی رفتارشان دارند (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۷۴). گافمن^۱ در ادامه سنت کنش متقابل گرای، قالب های تحلیلی جدیدی ارائه می کند. کارهای وی علاوه بر اینکه در خلق گفتمان فراساختارگرا و نقدهای روان کاوی نقش عمده ای داشته، در بحث های هویت نیز با تأکید بر خودهای چندگانه درخور توجه است. کار گافمن در نظریه پردازی هویت جایگاه مهمی دارد، حتی اگر تنها بر "خود" و ایده نقش ها تمرکز کند و از هویت سخنی به میان نیاورد. گافمن "خود" را به جهان اجتماعی منتقل می کند. در واقع، "خود" گافمن با مدل نمایشی نه تنها یک "خود" اجتماعی، بلکه "خود"ی است که از وضعیت اجتماعی و نمایش هر روزه زندگی ما بهره می برد و به آن شرایط پاسخ می دهد. این در حالی است که از آن شرایط نیز ناشی می شود. گافمن "خود محوری" و هویت مسلط مورد نظر تعامل گرایان را رد می کند. وی همچنین معتقد است که تحلیل های سطح خرد نمی توانند پدیده های کلان جامعه را تبیین کنند، اما می توانند آن ها را تکمیل کنند (از ترنر ۱۹۹۸: ۴۰۹).

مید در رویکرد تعامل گرایی نمادین، توجه خاصی به بازاندیشی دارد. وی معتقد است "خود"، چهار خصیصه دارد. فرآیندی بودن^۲، اجتماعی بودن، دیالکتیکی بودن و بازاندیشی یا بازتابی بودن. بلومر اهمیت خصیصه آخری یعنی بازاندیشی را آنقدر می داند که از آن به عنوان «انقلاب مید در جامعه شناسی» یاد می کند. این مفهوم به معنی «بازگردانیدن و باز نشان دادن معانی وقایع اجتماعی و موضوع های بشری از اشیا و اعیان به خود و از خود به خویشتن است» (تنهایی، ۱۳۸۵: ۶).

سازه گرایان نیز به بازاندیشی توجه خاصی داشته اند. برگر در رابطه با موضوع هویت بازاندیشانه اعتقاد دارد که آگاهی مدرن، به خصوص، آگاهی های هوشیار، پرتنش و «احتجاج آمیز» است. گفتنی است که جنبه اندیشنده (بازاندیشانه) هویت مدرن، فقط به جهان بیرونی محدود نمی شود، بلکه ذهنیت فرد و به ویژه موقعیت وجودی او را نیز دربرمی گیرد. نه تنها جهان، بلکه خویشتن نیز به موضوع توجه آگاهانه و غالباً موشکافی مضطربانه تبدیل می شود (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۶).

رویکرد سازه گرایانه برگر با مضمون اصلی این پژوهش، یعنی هویت بازاندیشانه، هم خوان است. اگرچه وی در مورد جهان مدرن صحبت می کند، تصویری که از تحولات سریع و پیامدهای آن ارائه می دهد، با بستر در حال تغییری که پاسخگویان این پژوهش در آن تجربه کسب می کنند، سازگاری قابل ملاحظه ای دارد.

گیدنز در بحث خود از بازاندیشی هویت به خود خودسازنده^۳ اولویت زیادی می دهد؛ پروژه ای که از آن طریق، خود در سطح فرد بازاندیشانه و تغییردهنده می شود. گیدنز بازاندیشی در مورد "خود" را همیشگی و قابل تسری دانسته که طی آن، فرد در فواصل زمانی منظم، برحسب اتفاقاتی که افتاده است به نوعی بازپرسی از خود می پردازد. وی معتقد است که ساخت خود، طرح بازاندیشانه ای است که بخش اساسی مدرنیت را می سازد. در اینجا فرد از میان گزینه هایی که نظام انتزاعی فراهم می کند باید هویت خود را پیدا کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۸). از دیدگاه گیدنز، بازاندیشی "خود" وارد محدوده بدن نیز می شود و با این رویکرد، بدن دیگر شیء منفعلی تلقی نمی شود، بلکه بخشی از یک نظام کنشی است. فاعل و سوژه، به طور مرتب بر فرآیندهای جسمی خود نظارت دارد و آگاهی از چگونگی بدن، برای "دریافتن تمام عیار هر لحظه از زندگی" از اهمیت خاصی برخوردار می شود. به طور کلی، گیدنز، پرورش، دستکاری و نحوه برخورد با بدن را یکی از عناصر ساختاری هویت شخصی می داند: بدن را دیگر نمی توان براساس آداب و رسوم سنتی «پذیرفت» و تغذیه و تزئین کرد. بدن آدمی، بیش از

۱ E. Goffman

۲ Processual

۳ Self- Constructing Self

پیش، به صورت هسته اصلی طرح بازتابی خاصی درمی آید که افراد از هویت شخصی خود ترسیم می کنند. بنابراین، توجه همیشگی به چگونگی توسعه کمی و کیفی بدن، در قالب فرهنگ ریسک پذیری، در عمل جزئی جدائی ناپذیری از رفتارهای اجتماعی مدرن را در بر می گیرد. . . . شیوه های گوناگون پرورش بدن از تنوع موجود در شیوه زندگی سرچشمه می گیرد، ولی تصمیم گیری درباره شیوه اصلح، صرفاً نوعی انتخاب نیست؛ بلکه از اساسی ترین عناصر ساختاری هویت شخصی است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۵۱).

گیدنز همچنین به تفاوت بازانديشي در تمدن های پیش مدرن و مدرن اشاره می کند. در تمدن های پیش مدرن، که سنت در آنها غالب است، بازانديشي تا حد فراوانی محدود به بازتفسیر و توضیح سنت است. بر این اساس، کفه گذشته از کفه آینده سنگین تر است. اما در دوره مدرن، ماهیت بازانديشي تغییر می یابد. در دوره مدرن عملکردهای اجتماعی دائماً در معرض بازسنجی قرار می گیرد و اطلاعات جدید منجر به اصلاح می شود. گیدنز معتقد است تنها در عصر مدرنیت است که تجدید نظر اساسی در عرف صورت می گیرد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۴۷-۴۴).

تعریف مورد نظر از بازانديشي در این پژوهش نزدیک به تعریف گیدنز و برگر است. در واقع، منظور از بازانديشي، ترکیب اندیشه و کنش است. به نحوی که ضمانت سنت و عرف را در پی نداشته باشد؛ یعنی بازانديشي از نوع دوره مدرن مورد نظر گیدنز با شرایطی که تحت آن، تردید و تجدیدنظر پایدار در زندگی اجتماعی حاصل می شود. این شرایط عبارت اند از: منابع و بسترهای تازه از قبیل رسانه های جهانی، فضاهای مجازی و فناوری های اطلاعاتی و ارتباطاتی و دانش های جدید. محور بازانديشي در تفکرات گیدنز، ابعاد مختلف هویت، یعنی خویشتن، بدن و عملکرد فرد است و در دیدگاه برگر بیشتر بر خویشتن و آگاهی فرد تمرکز دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش میدانی و با تکنیک پیمایش و جمع اوری اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق ساخته انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر اصفهان می باشد. طبق نتایج استخراج شده از سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت جامعه آماری پژوهش ما ۴۸۷۳۰۰ نفر می باشد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ی پژوهش حاضر ۳۸۵ نفر محاسبه و به شیوه نمونه گیری طبقه ای متناسب افراد نمونه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر جهت بررسی اعتبار عاملی متغیرهای "بازانديشي هویت" و "تجددگرایی" از شیوه تحلیل عاملی تأییدی و تکنیک های اعتبار همگرا^۱ (شاخص AVE)^۲ و اعتبار ممیز^۳ (معیار فورنل و لارکر^۴، بارهای عاملی متقاطع^۵ و شاخص HTMT^۶) استفاده گردید. جهت بررسی پایایی ابزار سنجش متغیرهای اصلی پژوهش از تکنیک های ضریب آلفای کرنباخ و قابلیت اعتماد ترکیبی^۷ استفاده گردید که در همه متغیرها این ضریب بالای ۷/۰ بود. برای محاسبه شاخص های فوق از رویکرد مدل سازی معادله ساختاری واریانس محور و نرم افزار Smart PLS استفاده گردید. .

- 1- Convergent Validity
- 2- Average Variance Extracted
- 3- Discriminant Validity
- 4- Cross Loading
- 5- Fornell and Larcker
- 6- Hetero-Trait Mono-Trait Ratio
- 7- Composite Reliability

بازاندیشی هویت: «همان "خود" است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی اش می پذیرد و دربردارنده تامل و بازاندیشی در عرصه های گوناگون زندگی، مقاومت در برابر باورهای کلیشه ای و جنسیتی، نگاهی نقادانه به الگوهای رفتاری، اعتقادی و حیطه های گوناگون زندگی روزمره است. برای این مفهوم، سه بعد الف) تفکر بازاندیشانه، ب) سیاست زندگی (با دو زیر بعد مدیریت بدن و روابط بین شخصی) و ج) مقاومت در برابر کلیشه های جنسیتی (شامل کلیشه های ایستاری، کنشی و نمادی) را در نظر گرفته ایم (ساروخانی و رفعت جاه، ۱۳۸۳: ۱۳۵ - ۱۳۳). تعاریف هر یک از ابعاد سه گانه مفهوم «هویت بااندیشانه» به شرح زیر است:

الف) «تفکر بازاندیشانه» عبارت است از: آزمون کردن، نظارت و بازپرسی دائمی بر رفتارهای خود و دیگران و گفت و گوی فرد با خویشتن یا با دیگری، استفاده از ادله قوی و منطقی در برابر انتقادهای فرد از خود یا جوابگویی به نقد دیگران (بلوردی، ۱۳۸۷: ۷۹).

ب) «سیاست زندگی» سیاست شیوه زندگی و تصمیم گیری های مرتبط به زندگی و در واقع سیاست متحقق ساختن خویشتن در محیطی است که به طرزی بازتابی سازمان یافته است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۴۸). مفهوم «سیاست زندگی» بواسطه دو زیر بعد مدیریت بدن و روابط بین شخصی به شکلی دقیق تر تعریف می شود: ۱. زیر بعد «اهمیت دادن به روابط بین شخصی» (نحوه سازمان دادن به روابط خود با دیگران، هم در خانواده و هم در اجتماع بیرون از خانواده و در واقع میزان اهمیت دادن به مناسبات زندگی)

ج) «مقاومت در برابر باورهای کلیشه ای جنسیتی» به معنای مقاومت در برابر انگاره هایی یک سویه و تشدید شده راجع به مرد بودن و زن بودن است که به صورتی مداوم و مکرر در زندگی روزمره به کار گرفته شده و بازتولید می شوند. این انگاره ها بخشی از فرآیند جامعه پذیری هستند که طی آن کودکان با نقش های جنسیتی آشنا شده و آنها را درونی می کنند. همچنین، ممکن است این انگاره ها در دوران بزرگسالی، فرصت های بوجود آمده برای تحقق نفس را سرکوب و انکار نمایند. بعد «مقاومت در برابر باورهای کلیشه ای جنسیتی» به سه زیر بعد تقسیم شده است: ۱. ایستاری (انگاره ها و جهت گیری های جنسیتی که نتیجه تامل و تفکر خود فرد نیستند، بلکه در قالب باورهای منسجم و از پیش آماده، از بدو کودکی به وی آموخته شده و در جریان فرآیند جامعه پذیری برای فرد درونی شده اند)، ۲. کنشی (انگاره های ثابت و از پیش تعریف شده در خصوص چگونگی و نحوه کنش زنان در موقعیت های علمی زندگی روزمره، این که زنان چگونه عمل می کنند و چگونه باید عمل کنند) ۳. نمادی (انگاره ها و پیش انگاشت های مربوط به اعمال و اشیا یی که در فرهنگ غالب و رسمی جامعه، معانی و فرهنگی، اجتماعی - و شاید سیاسی و ایدئولوژیک - خاصی از آنها مستفاد می گردد) (احمدی، ۱۳۸۱: ۷۹ - ۷۵).

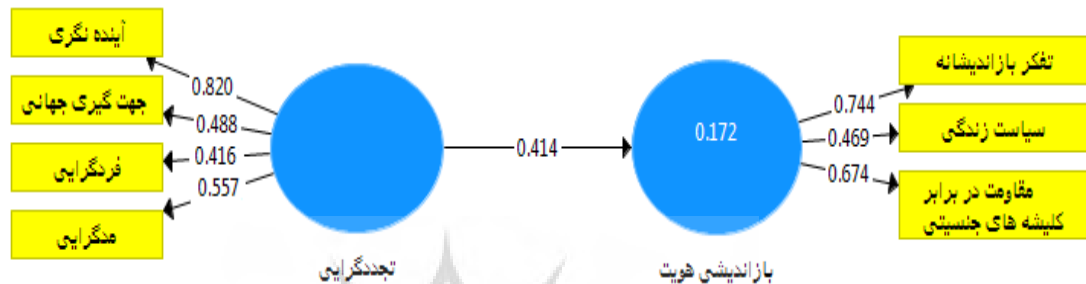
تجددگرایی: تجددگرایی عبارت است از اصول و جهان بینی ای که انسان متجدد دارای آن اصول و جهان بینی است. به تعبیر دیگر انسان متجدد از آن جهت که انسان متجدد است دارای مجموعه ویژگی ها و خصلت هایی است که مجموع آن خصلت ها و ویژگی ها را در انسان پیشامدرن نمی توان یکجا یافت. تجددگرایی نیز با شاخص های جهت گیری جهانی، فردگرایی، آینده گرایی و مدگرایی بررسی شده است.

یافته ها:

در این بخش از تحلیل آماری داده‌های پژوهش ابتدا فرضیه‌های اصلی پژوهش با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس‌محور^۱ مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

فرضیه (۱): متغیر تجددگرایی بر متغیر بازانديشی هویت تأثیر دارد.

به منظور بررسی فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس‌محور استفاده گردید، متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش به صورت متغیرهای مکنون و در قالب مدل‌های عاملی مرتبه اول وارد مدل معادله ساختاری گردیدند، برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر تجددگرایی بر بازانديشی هویت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل (۱): مدل معادله ساختاری اثر متغیر تجددگرایی بر بازانديشی هویت

جدول (۱): برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF ²	SRMR ³	NFI ⁴
مقدار	۰/۳۰	۰/۰۷	۰/۹۰

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

۱ - با توجه به اینکه پیش‌فرض‌های پژوهش حاضر منطبق با رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس‌محور است، ولی به دلیل نقض پیش‌فرض نرمالیتی چند متغیره (نسبت بحرانی ضریب مردیا برای با مقدار ۴/۷۹) از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس‌محور جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید.

۲ - در خصوص شاخص GOF مقادیر کمتر از ۰/۱۰ نشان‌دهنده برازش ضعیف، ۰/۲۵ برازش متوسط و بالاتر از ۰/۳۶ برازش مطلوب است.

۳ - مقدار این شاخص در حالت مطلوب باید از مقدار ۰/۱۰ کمتر باشد.

۴ - مقدار مطلوب برای این شاخص مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ است.

جدول (۲): برآورد اثر متغیر تجددگرایی بر بازانديشي هويت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
تجددگرایی	←---	بازانديشي هويت	۰/۱۷	۰/۴۱	۲/۸۵	۰/۰۰۵

مقادير برآورد شده در جدول بالا بيانگر اين است: (۱) متغیر تجددگرایی در مجموع ۱۷ درصد از واريانس متغیر بازانديشي هويت را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادير مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط برآورد می شود، به عبارت دیگر متغیر تجددگرایی در حد متوسط توان تبیین واريانس متغیر بازانديشي هويت را دارد. (۲) اثر متغیر تجددگرایی بر بازانديشي هويت به لحاظ آماری معنادار است ($p \leq ۰/۰۰۵$). بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه متغیر تجددگرایی بر متغیر بازانديشي هويت تأثیر دارد، تأیید می شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می توان گفت اثر متغیر تجددگرایی بر متغیر بازانديشي هويت مستقیم و در حد متوسط برآورد می شود، به این معنا که افزایش میزان تجددگرایی می تواند در حد متوسط منجر به تقویت بازانديشي هويت و برعکس کاهش میزان تجددگرایی منجر به تضعیف بازانديشي هويت در جامعه آماری پژوهش گردد.

در ادامه فرضیه ها فرعی مربوط به تأثیر ابعاد متغیر تجددگرایی بر بازانديشي هويت با استفاده از رویکرد مدل سازی معادله ساختاری مورد آزمون قرار گرفته اند:

فرضیه (۱-۱): بعد آینده نگری بر بازانديشي هويت اثر دارد.



شکل (۲): مدل معادله ساختاری اثر بعد آینده نگری بر بازانديشي هويت

جدول (۳): برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۳۰	۰/۰۸	۰/۹۰

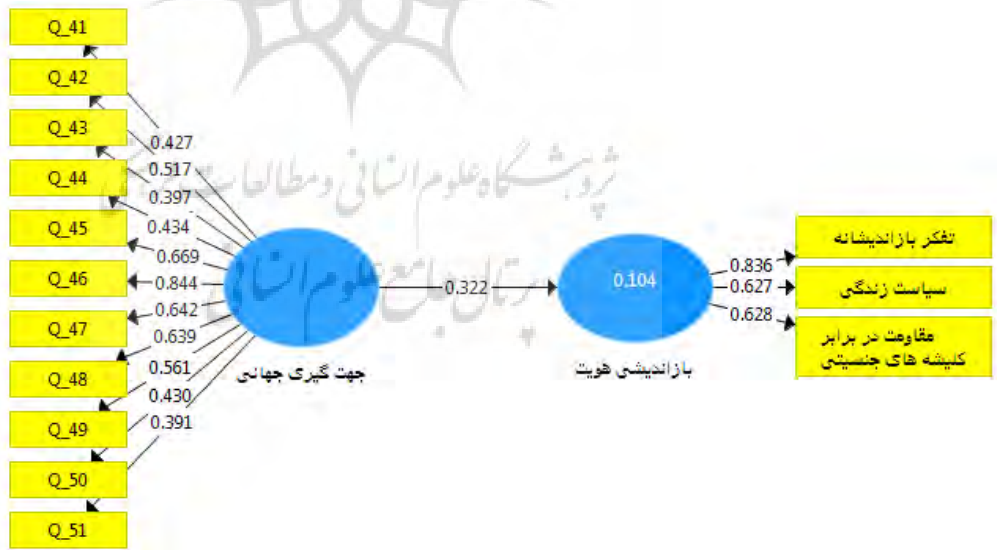
شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول (۴): برآورد اثر بعد آینده‌نگری بر بازانديشي هويت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
آینده‌نگری	<---	بازانديشي هويت	۰/۲۰	۰/۴۵	۴/۸۵	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: بعد آینده‌نگری ۲۰ درصد از واریانس متغیر بازانديشي هويت را تبیین می‌کند، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بعد آینده‌نگری بر متغیر بازانديشي هويت تأثیر دارد، تأیید می‌شود.

فرضیه (۱-۲): بعد جهت‌گیری جهانی بر بازانديشي هويت اثر دارد.



شکل (۳): مدل معادله ساختاری اثر بعد جهت‌گیری جهانی بر بازانديشي هويت

جدول (۵): برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
------	-----	------	-----

مقدار	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۸۹
-------	------	------	------

شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

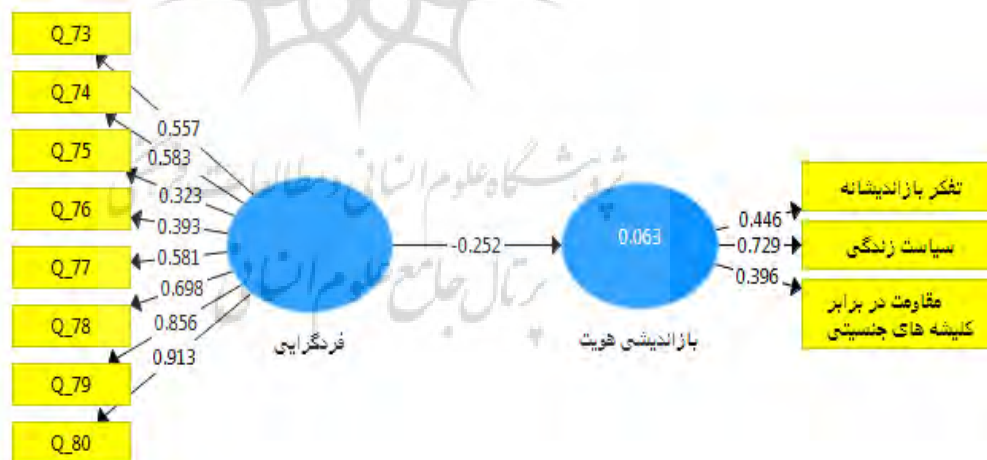
جدول (۶): برآورد اثر بعد جهت‌گیری جهانی بر بازانندیشی هویت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
جهت‌گیری جهانی	<---	بازانندیشی هویت	۰/۱۰	۰/۳۲	۲/۳۹	۰/۰۱۷

بر حسب مقادیر برآورد شده در جدول بالا: بعد جهت‌گیری جهانی ۱۰ درصد از واریانس متغیر بازانندیشی هویت را تبیین می‌کند، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بعد جهت‌گیری جهانی بر متغیر بازانندیشی هویت تأثیر دارد، تأیید می‌شود.

فرضیه (۳-۱): بعد فردگرایی بر بازانندیشی هویت اثر دارد.

جهت بررسی فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس محور استفاده گردید، برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر بعد فردگرایی بر بازانندیشی هویت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل (۴): مدل معادله ساختاری اثر بعد فردگرایی بر بازانندیشی هویت

جدول (۷): برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۱۵	۰/۱۰	۰/۸۸

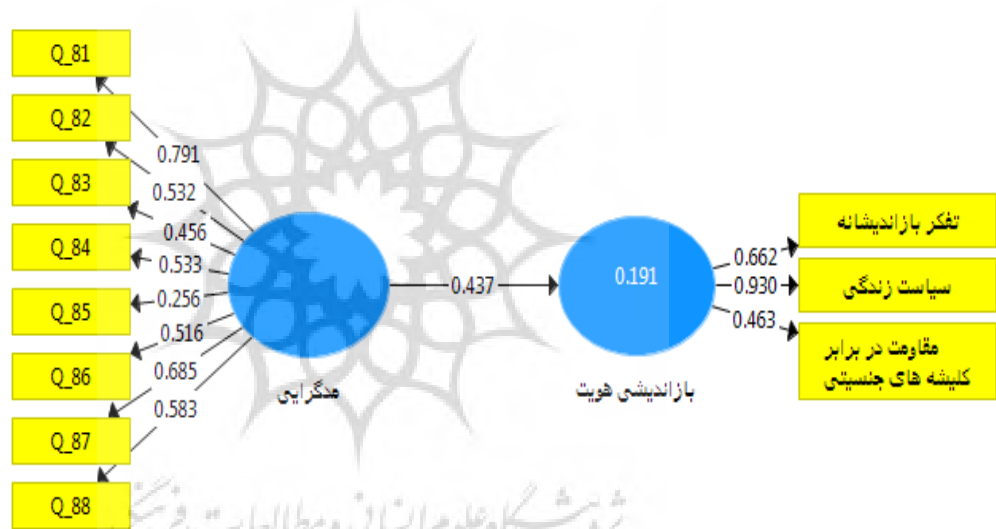
شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها چندان مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار نیست و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری ندارند.

جدول (۸): برآورد اثر بعد فردگرایی بر بازانندیشی هویت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
فردگرایی	<---	بازانندیشی هویت	۰/۰۶	-۰/۲۵	۰/۷۳	۰/۴۶۶

بر حسب مقادیر برآورد شده در جدول بالا: بعد فردگرایی ۶ درصد از واریانس متغیر بازانندیشی هویت را تبیین می‌کند، بنابراین فرضیه این پژوهش که بعد فردگرایی بر متغیر بازانندیشی هویت تأثیر دارد، تأیید نمی‌شود.

فرضیه (۱-۴): بعد مدگرایی بر بازانندیشی هویت اثر دارد.



شکل (۵): مدل معادله ساختاری اثر بعد مدگرایی بر بازانندیشی هویت

جدول (۹): برآورد شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۲۷	۰/۰۷	۰/۹۱

شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

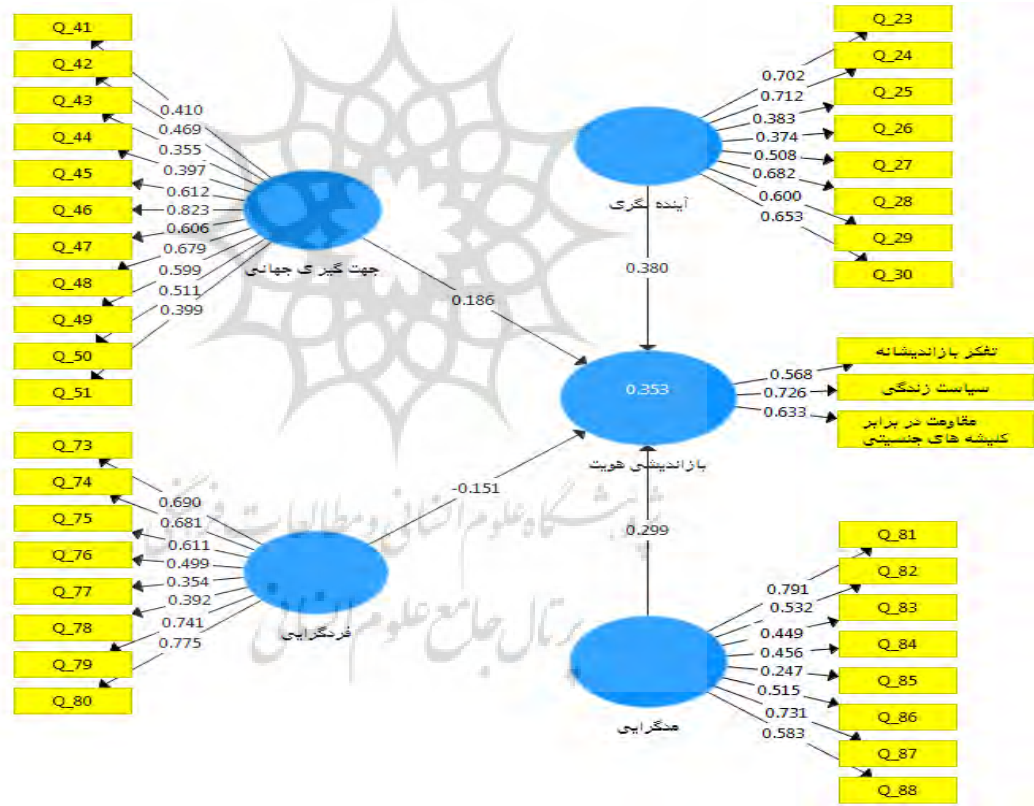
جدول (۱۰): برآورد اثر بعد مدگرایی بر بازانندیشی هویت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
مدگرایی	<---	بازاندیشی هویت	۰/۱۹	۰/۴۴	۲/۹۲	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: بعد مدگرایی ۱۹ درصد از واریانس متغیر بازاندیشی هویت را تبیین می‌کند، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بعد مدگرایی بر متغیر بازاندیشی هویت تأثیر دارد، تأیید می‌شود.

فرضیه (۲): ابعاد متغیر تجددگرایی (آینده نگری، جهت گیری جهانی، فردگرایی و مدگرایی) بر متغیر بازاندیشی تأثیر دارند.

جهت بررسی فرضیه بالا از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس محور استفاده گردید، برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیرهای مستقل بر بازاندیشی هویت) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل (۶): مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای مستقل بر بازاندیشی هویت

جدول (۱۱): برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۳۵	۰/۰۷	۰/۹۰

شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول (۱۲): برآورد اثر متغیرهای مستقل بر بازاندیشی هویت

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضرب تعیین	ضرب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
آینده‌نگری	<---	بازاندیشی هویت	۰/۳۵	۰/۳۸	۴/۴۲	۰/۰۰۱
جهت‌گیری جهانی	<---			۰/۱۹	۲/۰۸	۰/۰۳۸
فردگرایی	<---			-۰/۱۵	۰/۹۰	۰/۳۷۰
مدگرایی	<---			۰/۳۰	۲/۱۷	۰/۰۲۳

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیرهای مستقل پژوهش در مجموع ۳۵ درصد از واریانس متغیر بازاندیشی هویت را تبیین می‌کنند، با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضرب تعیین این مقدار بزرگ برآورد می‌شود، به عبارت دیگر متغیرهای مستقل پژوهش در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر بازاندیشی هویت را دارند. (۲) اثر متغیرهای آینده‌نگری، جهت‌گیری جهانی و مدگرایی بر متغیر بازاندیشی هویت به لحاظ آماری معنادار است ($p \leq 0/05$). بنابراین با توجه به مقادیر ضرایب تأثیر می‌توان گفت اثر این متغیرها بر متغیر بازاندیشی هویت مستقیم و در حد متوسط برآورد می‌شود، به عبارت دیگر افزایش متغیرهای بالا در حد متوسط می‌تواند منجر به تقویت بازاندیشی هویت و برعکس کاهش این متغیرها منجر به تضعیف بازاندیشی هویت در جامعه آماری گردد. (۳) اثر متغیر فردگرایی بر متغیر بازاندیشی هویت به لحاظ آماری معنادار نیست ($p > 0/05$). به عبارت دیگر مقدار اثر ضعیف این متغیر بر متغیر بازاندیشی هویت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف بررسی وضعیت بازاندیشی و متغیرهای مرتبط با آن در میان جوانان انجام شد. نتایج نشان داد که میزان بازاندیشی جوانان مورد مطالعه بیش از سطح متوسط قرار دارد. بر حسب مقادیر میانگین متغیر بازاندیشی هویت و ابعاد آن در نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط برآورد شده است. بین مردان و زنان به لحاظ میانگین متغیر بازاندیشی هویت و بعد مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر میانگین متغیر بازاندیشی هویت و بعد مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی در بین مردان به بالاتر از زنان برآورد شده است. نتایج پژوهش‌های عدلی پور و همکاران (۱۳۹۲)، بوستانی (۱۳۹۰)، بروکس و وی (۲۰۰۸) با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی دارد ولی پژوهش داریاپور و دیگران (۱۳۸۲) عدم وجود ارتباط بین این دو متغیر را بیان می‌کند. بین متغیر سن با متغیر بازاندیشی هویت و ابعاد آن رابطه وجود ندارد، نتایج پژوهش‌های معینی و شکرپیگی (۱۳۸۸)، بوستانی (۱۳۹۰)، بروکس و وی (۲۰۰۸) و ... که وجود رابطه بین سن و بازاندیشی هویت جوانان را بیان می‌کند با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی ندارد. بین افراد

مجرد و متأهل به لحاظ میانگین متغیر بازانندیشی هویت و ابعاد آن تفاوت وجود ندارد نتایج پژوهش های داریاپور و دیگران (۱۳۸۲)، بوستانی (۱۳۹۰)، معینی و شکرپیگی (۱۳۸۸)، حیدری و نادمی (۱۳۸۸) و . . . که وجود رابطه بین وضعیت تاهل و بازانندیشی هویت جوانان را بیان می کند با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی دارد. بین متغیر تحصیلات با متغیر بازانندیشی هویت و ابعاد (تفکر بازاندیشانه، سیاست زندگی) رابطه وجود ندارد. نتایج پژوهش های فرهمند و همکاران (۱۳۹۳)، بوستانی (۱۳۹۰)، معینی و شکرپیگی (۱۳۸۸)، بروکس و وی (۲۰۰۸) و . . . که وجود رابطه بین تحصیلات و بازانندیشی هویت جوانان را بیان می کند با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی دارد. بین مناطق شهری به لحاظ میانگین متغیر بازانندیشی هویت و مقاومت در برابر کلیشه های جنسیتی تفاوت وجود دارد. بدین معنا که بازانندیشی هویت در مناطق بالای شهر بیشتر از مناطق پایین شهر اتفاق می افتد. نتایج پژوهش های شالچی (۱۳۸۴)، حیدری و نادمی (۱۳۸۸) که وجود رابطه بین منطقه شهری و بازانندیشی هویت جوانان را بیان می کند با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی دارد. تجددگرایی بر متغیر بازانندیشی هویت مستقیم و در حد متوسط برآورد می شود، به این معنا که افزایش میزان تجددگرایی می توان در حد متوسط منجر به تقویت بازانندیشی هویت و برعکس کاهش میزان تجددگرایی منجر به تضعیف بازانندیشی هویت در جامعه آماری پژوهش گردد. نتایج پژوهش های فرهمند و همکاران (۱۳۹۳)، بوستانی (۱۳۹۰)، معینی و شکرپیگی (۱۳۸۸)، بروکس و وی (۲۰۰۸) و . . . که وجود رابطه بین تجددگرایی و بازانندیشی هویت جوانان را بیان می کند با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی دارد. همچنین یافته های پژوهش حاضر مبنی بر رابطه بین تجددگرایی و بازانندیشی هویت با نظریه های آنتونی گیدنز، بک، بلاکر همخوان است.

اثر بعد جهت گیری جهانی بر متغیر بازانندیشی هویت مستقیم و در حد متوسط به پایین برآورد می شود، به این معنا که افزایش جهت گیری جهانی می تواند در حد متوسط به پایین منجر به تقویت بازانندیشی هویت و برعکس کاهش جهت گیری جهانی منجر به تضعیف بازانندیشی هویت در جامعه آماری پژوهش گردد. نتایج پژوهش های معینی و شکرپیگی (۱۳۸۸)، فرهمند و همکاران (۱۳۹۳)، بروکس و وی (۲۰۰۸)، گراسموک (۲۰۰۹) و . . . که وجود رابطه بین جهت گیری جهانی و بازانندیشی هویت جوانان را بیان می کند با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی دارد.

اثر بعد آینده نگری بر متغیر بازانندیشی هویت مستقیم و در حد متوسط برآورد می شود، به این معنا که افزایش میزان آینده نگری می تواند در حد متوسط منجر به تقویت بازانندیشی هویت و برعکس کاهش میزان آینده نگری منجر به تضعیف بازانندیشی هویت در جامعه آماری پژوهش گردد. نتایج پژوهش های بوستانی (۱۳۹۰)، معینی و شکرپیگی (۱۳۸۸)، بروکس و وی (۲۰۰۸) و . . . که وجود رابطه بین تجددگرایی و بازانندیشی هویت جوانان را بیان می کند با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی دارد.

اثر بعد فردگرایی بر بازانندیشی هویت به لحاظ آماری معنادار نیست. به عبارت دیگر مقدار اثر ضعیف بعد فردگرایی بر بازانندیشی هویت در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه گیری برآورد می شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد. نتایج پژوهش های بوستانی (۱۳۹۰)، معینی و شکرپیگی (۱۳۸۸)، بروکس و وی (۲۰۰۸) و . . . که وجود رابطه بین تجددگرایی و بازانندیشی هویت جوانان را بیان می کند با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی دارد.

اثر بعد مدگرایی بر متغیر بازانندیشی هویت مستقیم و در حد متوسط برآورد می شود، به این معنا که افزایش میزان مدگرایی می تواند در حد متوسط منجر به تقویت بازانندیشی هویت و برعکس کاهش میزان مدگرایی منجر به تضعیف بازانندیشی هویت

در جامعه آماری پژوهش گردد. نتایج پژوهش های بوستانی (۱۳۹۰)، معینی و شکر بیگی (۱۳۸۸)، بروکس و وی (۲۰۰۸) و ... که وجود رابطه بین تجددگرایی و بازاندیشی هویت جوانان را بیان می کند با نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاضر همسویی دارد.

در پایان باید متذکر شد که مدرنیته یا تجددگرایی سبب شده است تا مردم از شیوه های زندگی، ارزشها و هنجارهای رفتاری دیگران آگاه شوند. این می تواند به دگرگونی و یا تقویت ارزشها و هنجارها و همچنین بازاندیشی در زندگی روزمره بینجامد و موجب شکل گرفتن سبک های جدیدی از زندگی شود. حاصل این فرایند بوجود آمدن هویت های جدید در میان جوانان می شود و به قول گیدنز محور این بازاندیشی ابعاد مختلف هویت، یعنی خویشتن، بدن و عملکرد فرد است.

منابع

- احمدی، اصغر. (۱۳۸۱). بررسی تاثیر خانواده بر نگرش های جنسیتی دختران. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ازکیا، مصطفی. وثوقی، منصور و عبدالهی، عادل. (۱۳۹۲). جهان - محلی شدن و بازاندیشی در هویت. فصلنامه توسعه روستایی، دوره دوم، ش دوم، پاییز و زمستان.
- برگر، پ، ال، ب و هاستفرید، ک. (۱۳۸۱). ذهن بی خانمان، نوسازی و آگاهی. ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- بلوردی، زهیر مصطفی (۱۳۸۷). سنخ شناسی الگوهای هویتی دختران نوجوان. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- بوستانی، داریوش. (۱۳۹۰). جوانان و هویت بازاندیشانه، مجله مطالعات اجتماعی. دوره پنجم، شماره اول، بهار.
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۸۵). درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی. تهران: انتشارات مرنديز.
- حیدری، داریوش و نادمی، داوود. (۱۳۸۸). بررسی میزان تجددگرایی دانشجویان دختر دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل موثر بر آن. دو فصلنامه علوم اجتماعی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد). دوره ۶، شماره ۱.
- داریاپور، زهرا. کتابی، محمود. طالبی، هوشنگ. (۱۳۸۲). جایگاه سنت و مدرنیته در نظام ارزشی جوانان و بزرگسالان شهر تهران. روانشناسی بالینی و شخصیت. دوره ۱، شماره ۱. پاییز.
- ساروخانی، باقر. رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۳). زنان و بازتعریف هویت اجتماعی. مجله جامعه شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- شالچی، سارا. (۱۳۸۴). بررسی شکل گیری هویت بازاندیشانه و ارتباط آن با رسانه ها. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- شکر بیگی، عالیه. (۱۳۸۸). تجددگرایی، سرمایه اجتماعی و خانواده ایرانی. علوم رفتاری. دوره ۱، شماره ۱.
- عبداللهی چندانق، حمید. مددی، حانیه. مرادی، سجاد. (۱۳۹۳). تاثیر ساختار قدرت در خانواده بر هویت بازاندیشانه. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۶.
- عدلی پور، صمد. یزدخواستی، بهجت. و خاکسار، فائزه. (۱۳۹۲). شبکه اجتماعی فیس بوک و شکل گیری هویت بازاندیشانه. فصلنامه پژوهش ارتباطی. شماره ۳.

- فرهمند، مهناز. جواهرچیان، ندا. هاتفی راد، لیدا. (۱۳۹۳). جهانی شدن فرهنگ و بازانديشي تعاملات جنسیتی. مجله جهانی شدن، ش ۱۴، بهار.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). چشم اندازهای جهانی. ترجمه محمدرضا جلالی پور. تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- مصطفائی، محسن. (۱۴۰۰). هویت یابی و نظریه های آن. مشهد: سومین همایش تدبیر علوم مدیریتی، تربیتی، اجتماعی و روانشناسی.
- معینی، سیدرضا و شکرپیگی، عالییه. (۱۳۸۸). بررسی نوگرایی خانواده های ایرانی (تحقیقی در شهر تهران). دوره ۱، شماره ۲، بهار، صفحه ۱۲۷-۱۰۵.
- مقدادی، مهسا و لطیفی، روح انگیز و ثابتی، مریم. (۱۳۹۶). آسیب شناسی خانواده تحت تاثیر تجددگرایی. تهران: سومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران.
- میمنت‌آبادی، قباد و تاجیک اسماعیلی، سمیه و هاشمی، شهناز. (۱۳۹۹). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحول هویت (مورد مطالعه: شهروندان سنندج). فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره: ۹، شماره: ۲.
- Beek.U.(1999) "Wrld Risk Society .Cambridge:Plity press
- Brooks . A .& Wee. L. (2008). Reflexivity and Transformation of Gender Identify. sociology .Vol.42
- Fabala, D. Others. (2017). Media, Gender and Identity: An Introduction, London: Routledge Press.
- Grasmuck.s .(2015). Face Book &Identity .Jurnal Of Computer Mediated Communication – No 15
- Long, et al. (2007). Impact of Internet on Adolescent Self- Development. China Media Research, 3(1).
- Turner,J. H. (1998). The Structure of Sociological Theory. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company